

## نسخه برگردان «خاوران نامه»

خاوران نامه، نگاره‌ها و تذهیب‌های فرهاد نقاش/ابن حسام خوشفی بیرجندی، سده نهم هجری، [با مقدمه سعید انواری]. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۱، ۱۵۳ + ۲۰ ص. شابک ۶-۳۹۲-۳۹۲-۹۶۴

نسخه‌ای مصور و دیدنی از خاوران نامه سروده ابن حسام خوشفی بیرجندی (۷۸۲-۸۷۵) در تملک موزه هنرهای تزیینی (تهران) است که فعلاً ۶۴۵ برگ از آن باقی است. احتمال داده‌اند چهل ورق دیگرش (بی ذکر برهان یا قرینه از قبیل اشاره به ورق شمار یا کراسه) در دست مجموعه‌دارهای امریکایی و اروپایی پراکنده شده است. اهمیت این نسخه که در سده نهم هجری به تنظیم و تصویرگری درآمده به مجالس تصویر جذاب و هنرمندانه آن است. و نخستین بار دوست هنرشناسم یحیی ذکاء وصف آن را در مجله هنر و مردم - شماره ۲۰ (خرداد، ۱۳۴۳) نوشت.

در مقدمه نوشته‌اند پیش از پراکندگی دارای ۱۵۵ مجلس تصویر بوده است ولی اینک ۱۱۵ مجلس دارد (ص ۷) اما در معرفی لافافه چلیبی کتاب ذکر شده است که در آن یکصد و بیست تصویر به چاپ رسیده است.

این منظومه حماسه مذهبی دربرگیرنده توصیف غزوات حضرت علی (ع) است و در سال ۸۳۰ ه. سروده شده و در سخن‌سرایی از شاهنامه فردوسی پیروی کرده است. نام منظومه را گوینده در بیتی «خاوران نامه» آورده است (ص ۲۲) ولی در مقدمه امروزی گاه این و گاه «خاورنامه» آمده (ص ۲۱ دوبار) ظاهراً مطابق ذکر دایرة المعارف فارسی مصاحب. نسخه‌هایی چند از آن در کتابخانه‌های جهان هست که ذکر هشت نسخه را در مقدمه کتاب می‌بینیم. البته متن کتاب بنا به مقدمه همین کتاب دوبار در تهران و یک بار در هندوستان طبع شده است. تعداد ابیات آن را حدود ۲۲۵۰۰ تخمین کرده‌اند.

تصاویر و تذهیب نسخه کار «فرهاد نقاش» دانسته شده است. در صفحه ۳۰ گفته‌اند: «برخی ازین نگاره‌ها تاریخ ۸۸۲ هجری دارد و به امضای نقاشی به نام فرهاد است. این امضا نخستین امضای یک نقاش پس از امضای جنید نقاش بغدادی است ... گویا از اهالی شیراز بوده که در شیوه‌ای خاص هنرآفرینی کرد و به استناد تصاویر تاریخ‌دار نقاش - که در سال‌های ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۹۲ کشیده شده - می‌توان گفت که این نسخه ارزنده در حوالی سال ۸۹۲ هجری قمری پایان یافته و حدود ده سال نیز صرف کتابت و آفریدن نقوش آن شده است.» (ص ۳۰) اساس این استدلالات گفته مرحوم یحیی ذکاء است و بدون ذکر مأخذ نقل شده، اما شادروان یحیی ذکاء در مقاله خود نوشته است نسخه محتملاً در ۸۵۴ یعنی در حیات شاعر نوشته‌ش ریاضش سال پس از مرگ او مصور گشته است.

برای چنین کتاب‌ها و چنین استدلال‌ها ضرورت دارد که جای رقم (نه امضا) و سنه‌ها یک‌به‌یک گفته شود تا علاقه‌مند کم‌بینایی و ناآشنا به رموز رقم‌نویسی به‌آسانی بتوانند آن اسنادات را در متن نقاشی‌ها بیابند. جزین به‌درستی نگفته‌اند چند تا از تصاویر رقم‌دار است و به کلمه «برخی» اکتفا شده است. شادروان ذکاء در مقاله خود مربوط به چهل سال پیش نوشته است: «در چند قطعه از نقاشی‌ها در گوشه‌های پایین رقم بسیار ریز و کم‌رنگی به‌شکل کمترین بندگان فرهاد ۸۸۱ و ۸۹۲ نیز دیده می‌شود.» شاید مناسب بود که در مقدمه کورنی به دو کیسه‌سردر خانه که در آن لقب «غیث‌الدین و الدین» دیده می‌شود اشارت شده بود (ص ۴۹ و ۴۱).

جزین، در دنبال این مبحث نوشته‌اند: «از مقایسه قطعات نقاشی کتاب در می‌یابیم که فرهاد نسبت به دو نفر دیگر که در مصور ساختن کتاب نقش داشته‌اند سمت استادی داشته و در کار خود از آنها مهارت بیشتری اندوخته بوده است. در بعضی از قطعات نقاشی، طراحی یا هیولا از اوست و رنگ‌آمیزی و پرداخت جزئیات از شاگردان است.»

در مورد مجالس تصویر (نه قطعات که معمولاً در موردی دیگر استعمال دارد) تشخیص اینکه دو نقاش دیگر درین نسخه‌آرایی همکاری داشته‌اند بر چه مبناست، چرا سه نفر نبوده‌اند؟ آیا رقمی از آنها در مجالس دیده می‌شود یا به حدس و سابقه ذهنی صدور چنین حکمی روا دانسته شده است. البته این مطالب هم برداشته از مقاله مرحوم ذکاء است.

دلیلی که برای شیرازی بودن نقاش از سوی مقدمه‌نویس گفته شده این است: «شیوه خطوط متن نسخه شیرازی است که با نسخه‌های دیگری که در این شهر کتابت شده یکسان و یک‌عیارست (ظاهراً معیار) از طرفی شیوه تذهیب و تشعیر صفحات اول و آخر کتاب نیز در مکتب شیراز است و نقش پر آذین تاج‌های گیاهی و رگه‌های مارپیچی ظروف ساسانی و شیوه‌های ختایی و اسلیمی و نقوش در و دیوار ساختمان‌ها و قیافه‌ها و لباس‌های زنانه و قوسی‌های طاقی و قندیل‌های عمارات مؤید این نکته است که نقاش از اهالی شیراز بوده و نسخه را در آن دیار مصور کرده است.» (ص ۳۰-۳۱) مگر نوع همین طاق‌ها و قوس‌ها و قندیل‌ها و کتابه‌های عمارت (که ذکری از آنها در سخن ایشان نیست) و محرابی‌ها و عوامل دیگری که یاد شده است در نقاشی‌های هرات و قزوین و تبریز نمی‌توان دید. حتی شاید همین پنجره مشبک (ص ۵۲) را هم بتوان در مجالس تصویری دیگر پیدا کرد. به هر حال می‌بایست نمونه هر یک ازین موارد در تصویری که وجود دارد مشخص می‌شود با ذکر صفحه توجه بیننده را بدان جلب



می کردند. به طور مثال لباس زنان را در چه صفحه‌هایی می توان دید. بنده هیچ گونه بصیرتی در زمینه سبک‌های نقاشی ندارم ولی برای قبول این نظریات از جانب متخصصان تصور می‌کنم دلایل قوی و معنوی نیست. حتی اینکه نوشته‌اند: «ترسیم حیوانات دریایی از قبیل نهنگ‌ها و ماهی‌های گوناگون و مناظر کشتی‌ها و کتاره‌ها این حدس را تأیید می‌کند که نقاش به ساحل دریا و امکانات آن دسترسی داشته و در شهر شیراز که تا حدودی به آن نواحی نزدیک‌تر بوده نقشی می‌ساخته و شیوه شیرازی و ترکمانی را در تصاویر خود اجرا می‌کرده است» باز دلیل نمی‌شود. مگر نقاش نسخه عجبانب المخلوقات برای اجرای طرح‌های خود به هر هفت اقلیم سفر می‌کرد و هر حیوان و گیاه و آدمی را که مربوط به یکی از آن سرزمین‌ها بود جداگانه به مد نظر می‌گرفت. چنین امکانی برای هیچ نقاشی به وجود نمی‌آمده است.

قصوری که در چاپ تصاویر شده این است که صفحات نسخه شماره گذاری نشده‌اند. ذکر از شماره ورق (پشت یا

رو) نکرده‌اند و لذا به هیچ وجه نمی‌توان به صحت توالی عکس‌ها اطمینان کرد. حتماً درین گونه چاپ‌ها ضرورت دارد شماره ورق گفته شود. جزین، درین کتاب چون فقط تصاویر را چاپ کرده‌اند نتوانسته‌اند چپ و راست بودن استقرار تصویر در نسخه را رعایت کنند. در نتیجه عده‌ای از صفحاتی که در متن دست راست نسخه بوده در اینجا دست چپ قرار گرفته است. در نتیجه بیننده آشنا به رموز نسخه‌های خطی کلمه «رکابه» (پاورقی) را به جای دست راست در سمت چپ می‌بیند.

اندازه نسخه را ۳۷/۵×۲۸ سانتی‌متر نوشته‌اند (ص ۶) آنچه چاپ شده است و به رویت بیننده می‌رسد لب به لب کاغذ ۱۹/۵×۲۸ تا ۲۰/۴ سانتی‌متر (آخری) است. پس ضرورت داشت به میزان کوچک شدن آن اشارتی رفته بود. از دو صفحه‌ای هم که به طور آستربردقعه چاپ شده است باز نمی‌توان به اندازه واقعی نوشته پی برد. البته نوشته‌اند اندازه جدول کشی صفحات ۲۸×۲۸ است یعنی در نسخه، ولی اینک درین چاپ به اندازه ۱۶×۲۱

سانتی‌متر تبدیل شده است. دیگر مندرجات مقدمه چون کلیات نویسی چکیده‌وار است در زمینه احوال اجتماعی، احوال اقتصادی، مذهب و عرفان و تصوف و دانش و ادب و هنر و شعر نمی‌پردازد. جای تعجب است که در فهرست مآخذ ادنی ذکری از دیوان محمد بن حسام خوشفی نیست که به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک (مشهد، ۱۳۶۶) چاپ شده است.

نکته آخر آنکه به جای صفحه‌ای که برای پرکردن از متن انتخاب شده است حق بود آخرین صفحه نسخه (یعنی آنچه که بنابر مقاله دوست فقیدم مرحوم ذکاء دارای این عبارت است آورده شده بود: «کتاب خدمة الشریعة المولویة فی سنة اربع و خمسين و ثمانمائه».

به هر حال این کتاب خوش چاپ و خوش طرح و خوش جلد و خوش غلاف نمونه‌ای ارزنده و زیبا از صنعت چاپ نوین ایران و دقت کافی در اجرای هنر لیتوگرافی است. ایرج افشار



برگی از نسخه «خاوران‌نامه»، اثر ابن حسام خوشفی بیرجندی، از سده نهم هجری، مجلس پیروز شاه، یازدهم کمترین بندکان فرهاد ۸۸۱» (موزه هنرهای تزئینی تهران، شماره ۷۵۷۰).